

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱

صص ۱۳۴-۱۱۲

جایگاه مفهوم فضای حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی عراق

دکتر مراد کاویانی‌راد* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت معلم
چمران بویه - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۳

چکیده

برآورد قدرت ملی در شرایط کنونی و ترسیم وضعیت مطلوب که متضمن منافع و امنیت ملی باشد حاکمان و نخبگان سیاسی را به تدوین استراتژی ژئوپلیتیک وامی‌دارد. تدوین استراتژی‌ها در پیوند با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین فرصت‌ها و محدودیت‌ها است. از این‌رو، نظام‌های سیاسی کوشیده‌اند تا از طریق تصرف یا نفوذ در سرزمین‌هایی که می‌تواند مکمل ژئوپلیتیک آنها باشد به رفع محدودیت‌ها (سرزمینی و منابع) پردازند. مقاله حاضر به تشریح این مسئله می‌پردازد که تنگنای ژئوپلیتیک عراق در عدم دسترسی آسان به آبهای آزاد به سیاست خارجی این کشور ماهیتی تهاجمی بخشیده، سیاستی که حتی پس از فروپاشی نظام بعث از طریق سیاستمداران عراقی بارها در قالب لغو یا تغییر مفاد قرارداد الجزایر در ارتباط با ایران طرح مسئله شده است. به نظر می‌رسد که چالش پایدار ژئوپلیتیک عراق در عدم دسترسی مناسب آن کشور به دریاهای آزاد از طریق خلیج فارس و وابستگی آن به بخش‌هایی از خاک ایران همواره بر مناسبات عراق با ایران سایه خواهد افکند.

واژه‌های کلیدی: فضای حیاتی، سیاست خارجی، ژئوپلیتیک، عراق، اروندرود، خلیج فارس.

۱- مقدمه

در تعاریف مختلفی که تاکنون از قدرت ملی و مؤلفه‌های آن به‌عمل آمده تأکید بر عناصر عینی قدرت همانند وسعت، موقعیت، منابع، شمار جمعیت، دسترسی و... بخش اساسی آن مفاهیم و مصادیق را شامل شده‌است. خوشایندی احساس ناشی از قدرت، گرایش به ماندگارسازی و گسترش آن را در میان اجتماعات انسانی و واحدهای سیاسی پدید آورده گرایشی که در قالب مفاهیم و گزاره‌های مختلف بارها نظریه‌پردازی شده‌است. رویکرد فضای حیاتی در سیاست خارجی دولت‌ها ناظر بر تحصیل سرزمین و منابع موجود در آن برای خودکفایی و افزایش قدرت ملی بوده‌است. چنین رویکردی در پیدایش دوران استعمار و توسعه طلبی قدرت‌ها نقش انکارناپذیری داشته‌است.

رویکرد یاد شده تحت عنوان فضای حیاتی^۱ به همراه گرایش‌های نژادگرایانه در جهت‌دهی به سیاست خارجی نازیسم در آلمان و توسعه‌طلبی آن کشور جایگاه محوری یافت. به‌نظر می‌رسد که ویژگی‌های جغرافیای سیاسی عراق به سیاست خارجی این کشور گونه‌ای رفتار تهاجمی بخشیده‌است که از نظریه لسنروم پیروی می‌کند. پژوهش حاضر بر آن است که با روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی جایگاه نظریه لسنروم (فضای حیاتی) در سیاست خارجی عراق را بازشناسی کند.

۲- روش تحقیق

پژوهش کنونی بر این فرض استوار است که چالش ژئوپلیتیک عراق در عدم دسترسی مناسب به آبهای آزاد و به‌تبع آن احساس ناامنی این کشور در وابستگی به همسایگان در جهت‌دهی به سیاست خارجی تهاجمی آن نقش جدی داشته‌است. به‌منظور ارزیابی و آزمون فرض مذکور و تحلیل اطلاعات تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. تحقیق حاضر از نوع کتابخانه‌ای است که به‌تبع آن ابزار گردآوری اطلاعات نیز در قالب کتب، مقالات، اسناد، گزارش‌ها و اینترنت می‌باشد.

۳- ادبیات تحقیق

۳-۱- فضای حیاتی

تشبیه دولت به بدن و اندام آدمی را می‌توان در آثار فلاسفه گذشته نظیر افلاطون، ارسطو و سیسرو و نیز اندیشه‌وران عصر جدید همچون هابز و روسو پی‌گرفت. با کم‌اعتبار شدن نظریه قرارداد اجتماعی، این نظر که دولت ساخته دست انسان نیست بلکه تحولی تدریجی، ناآگاهانه و گریزناپذیر جامعه بشری است، عرضه شد که نهایتاً به طرح نظریه دولت انداموار (ارگانیک) انجامید. از میان متفکرانی که این نظریه را در قالب تازه آن طرح مسئله کرده‌اند می‌توان به فیخته، هربرت اسپنسر، بلونشلی (Alam, 2005: 230)، فردریش راتزل و کارل هاوس هوفر در قالب نظریه فضای حیاتی اشاره کرد. لسنروم، واژه‌ای آلمانی به معنای فضای حیاتی و فضایی برای زیستن است (Princeton, <http://wordnetweb.edu>). فضایی که توسط ملتی که جمعیت آن رو به فزونی است اشغال شود (<http://www.yourdictionary.com>). این واژه در اندیشه فردریش راتزل^۱ (۱۸۴۴-۱۹۰۴) بنیانگذار جغرافیای سیاسی در آلمان- و نظریه‌پرداز دولت به مانند موجود زنده (جانور) نقش مستقیم داشت. بر اساس این دیدگاه، دولت به‌مثابه پدیده طبیعی و زیستی بهتر قابل درک است تا پدیده‌ای مکانیکی و اجتماعی. دولت از طریق مؤسسات مختلف کارکردهای مختلفی دارد. کارکردهای مناسب نشان‌دهنده صحت کل بخش‌های متشکل (اندام) دولت است (Jones: www.politicsprofessor.com). لسنروم مورد نظر راتزل سرزمینی است که پیکره‌ای ارگانیک دارد. دولت‌ها در فضا حیاتی همانند گیاه و انسان به تغذیه در قالب توسعه سرزمینی و منابع نیاز دارند. بر این اساس، دولت‌ها پیوسته در رقابت با هم هستند. راتزل با رویکردی زیست‌شناسی برای نخستین بار به شکلی نظام‌مند داده‌ها و مسائل را در جغرافیای سیاسی کنار هم گذاشت. او معتقد بود که دولت باید به‌عنوان پدیده‌ای مرتبط با زمین و جایی که جوامع در آن زندگی می‌کنند، پویایی دارند و هویت‌شان را از آن می‌گیرند مورد واکاوی قرار گیرد. در طرح مفهوم دولت به‌مثابه موجود زنده، دیدگاه راتزل

1- Friedrich Ratzel

به‌شدت متأثر از داروین‌یسم اجتماعی^۱ و مفهوم لسنروم بود. راتزل مفهوم زیستی توسعه را به‌صورت مفهومی کلیدی در جغرافیا بویژه جغرافیای سیاسی وارد کرد که در آن مرز مفهومی پویا و متغییر داشت. او با استفاده از استعارات و تشبیهات زیست‌شناسی، دولت را به مفهوم ارگانیسم در تحلیل علوم سیاسی و جغرافیایی به‌کار برد. در دیدگاه او دولت‌ها ماهیتی ارگانیکی و رشدیابنده دارند که در توسعه و گسترش آنها مرزها کارکردی موقت دارند. همچنان که انسان بر روی زمین زندگی می‌کند دولت هم به مانند اندامواره‌ای (ارگانیکی) بر روی زمین با قوانین طبیعی پیوند می‌یابد. بر این اساس، توسعه مقید به محیط طبیعی است زیرا دولت فی‌نفسه یک اندامواره (ارگانیسم) است. اندیشه فضای حیاتی راتزل مفهوم دولت ارگانیکی را رشد داد. فضا از منظر تئوریک برای راتزل مفهومی مبهم و نامحدود بود و نمودی از طرحی ناسیونالیستی مبتنی بر نژادگرایی به‌شمار می‌رفت. هرچند می‌توان ریشه آن را در اندیشه‌های عصر روشنگری و گرایش‌های جهان وطنی موجود در سنت‌های رمانتیک و تاریخ‌گرای آلمان جستجو کرد (Vincent, 2006: 167). لسنروم، روم^۲ جایی است که آلمانی‌ها زندگی می‌کنند جایی که دولت‌های ضعیف در خدمت اقتصاد آلمان قرار دارند و جایی است که فرهنگ آلمانی بتواند دیگر فرهنگ‌ها را بارور کند.

دیدگاه جبرگرایانه راتزل از جهان تجاوزطلبی دولت‌های قوی به نواحی که توسط دولت‌های ضعیف کنترل می‌شد را توجیه می‌کرد (Vallecera: <http://polscicity.blogspot.com>). به‌طور کلی راتزل توسعه سرزمینی را روشی برای تحصیل فضا معرفی کرد. فضایی که دفاع از نژاد ژرمن و محافظت از نابودی آن، جنگ را برای دستیابی به لسنروم ضرورتی زیستی^۳ و حیاتی می‌دانست. راتزل بر مستعمرات فراسوی دریاها تأکید داشت که آلمانی‌ها باید به آنجا مهاجرت کنند اما بعدها این سیاستمداران نازی بودند که به‌خاطر اهداف سیاسی آن را به‌سوی اروپای شرقی منحرف کردند. در اندیشه لسنروم جنگ مقوله‌ای گریزناپذیر است. بر این

1- Social Darwinism
2- Raum
3- Biological necessity

اساس، اندیشه فضای حیاتی و توسعه‌طلبی سرزمینی، ده‌ها سال پیشتر از به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان رایج بود و توسط فرهیختگان دانشگاهی همانند کارل هاوس‌هوفر^۱ (تقسیم جهان)، هالفورد مکیندر^۲ (هارتلند)، فردریش راتزل (فضای حیاتی) و هانس‌گرمیم^۳ (ملت بدون فضا) طرح مسئله و نظریه‌پردازی شده بود. اما بازه زمانی پیش از جنگ جهانی دوم که هیتلر در آن به نقش‌آفرینی سیاسی پرداخت، کارکرد مؤثری در عملیاتی‌سازی جستار فضای حیاتی داشت. مفاد عهدنامه صلح ورسای^۴ (۱۹۱۹) که به ظاهر برای پایان دادن به جنگ جهانی دوم تدوین شده بود به‌سان آتش زیر خاکستر نهفته ماند. برآورد شده است که در نتیجه این معاهده، آلمان ۳/۵ درصد از سرزمین، ۱۳ درصد از توانمندی تولید اقتصادی و ۱۰ درصد جمعیت خود را از دست داد.

عملیاتی‌سازی لبنسروم با تازش آلمان در یکم سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان آغاز شد. تفاوت اساسی فضای حیاتی مورد نظر هیتلر با لبنسروم در گذشته این بود که هیتلر، فضای حیاتی را در اروپای شرقی می‌جست اما نظریه‌پردازان گذشته عموماً دستیابی به مستعمرات در دیگر کشورهای خارج از قاره اروپا پی‌گیری می‌کردند. دیگر آنکه هیتلر مقوله نژاد و خون را نیز به جستار لبنسروم افزود که در قالب آن سرزمین‌های اروپای شرقی بایستی تأمین‌کننده فضای حیاتی در قالب جمعیت آلمانی و تأمین‌کننده مواد خام و محصولات کشاورزی آن کشور باشند (Clarke and Marcus, 1996: 457-489).

۲-۳- ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است (Hafeznia, 2006: 37). این روابط و کنش‌ها تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپلیتیک دولت‌ها و نیز ساختار نظام ژئوپلیتیک جهانی است. از این‌رو، همبستگی و

1- Haushofer

2- Sir Halford Mackinder

3- Hans Grimm

4- Peace Treaty of Versailles

هماهنگی بالایی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها برقرار است و بر اساس آن راهبردهای ژئوپلیتیکی طراحی و عملیاتی می‌شوند تا به ساختار روابط ژئوپلیتیکی جهت و معنا بخشد. در بسیاری از نظریه‌های ژئوپلیتیک (سنتی) که با سیاست واقع‌گرایی همبستگی بالایی نیز داشته‌اند دولت در جایگاه بازیگر اصلی صحنه روابط بین‌الملل به‌منظور تأمین فضای حیاتی ناگزیر از قدرت‌یابی روز افزون از طریق نفوذ در دیگر قلمروهاست.

۳-۲- سیاست خارجی

هدف سیاست خارجی دستیابی به منافع ملی (Hafeznai, 2000) و تضمین امنیت ملی است. از این منظر خط و مشی و روشی که دولت‌ها در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت، تعقیب و تحصیل منافع خود اتخاذ می‌کنند (Mansoori, 1986: 11). در این چهارچوب قابلیت تبیین می‌یابد. از این‌رو، تعیین‌کننده شیوه تعامل آنها با دیگر کشورهاست (<http://wiki.answers.com>). سیاست خارجی کوشش آگاهانه دولت‌ها است تا از آن طریق با کسب، افزایش، حفظ و نمایش قدرت، منزلت خود را در گستره نظام بین‌الملل ارتقاء دهند. مفهوم قدرت و میل به افزایش آن خصیصه ذاتی هر اقدام سیاست خارجی است. عوامل و متغیرهای بسیاری در تعیین و اجرای سیاست نقش می‌آفرینند که این عوامل تابعی از دو محیط داخلی و بین‌المللی هستند و میزان تأثیرگذاری هر متغیر با توجه به اوضاع و شرایط دولت‌ها متفاوت است. این تفاوت‌ها تابعی از تصویر کلی از سیاست بین‌الملل، ارزش‌ها و اعتقادات، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، برداشت‌ها، مشکلات داخلی و افکار عمومی، نیازهای داخلی، ساختار نظام بین‌المللی و... هستند (Ghavam, 2001: 131). از آنجا که موارد یاد شده سرشت سیال و شناوری دارند شیوه بروز و پیامدهای آنها در گستره فضا و زمان آثار متفاوتی در عرصه نظام بین‌الملل بر جای می‌گذارد.

۴- محیط‌شناسی

۴-۱- خاورمیانه

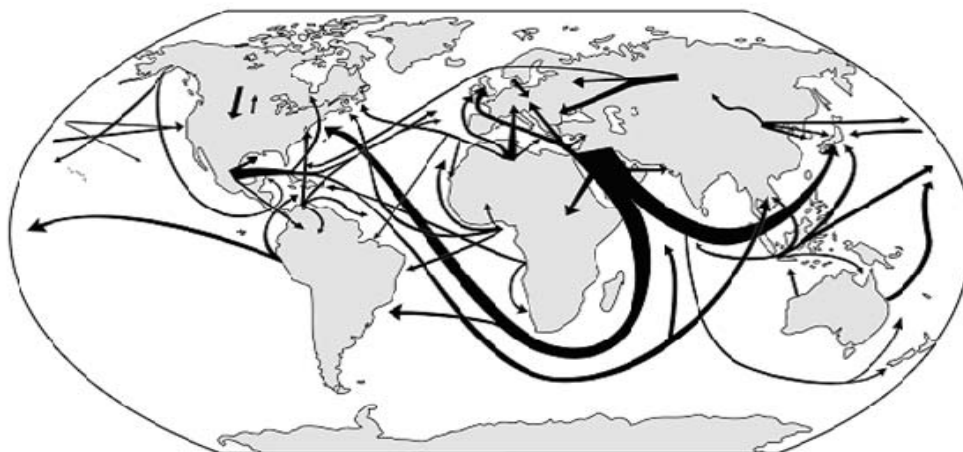
گستره جغرافیایی خاورمیانه به واسطه تنوع و تعارض فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی، سرزمینی، اقتصادی، سیاسی، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، و... از جمله بخش‌های بی‌ثبات و آشفته جهان بوده‌است. در دیدگاه ژئوپلیتیک از این گستره با عنوان کمر بند شکننده^۱ یاد می‌شود (Cohen, 2009:117). جالب این است که در مقیاس خرد این شکنندگی در بسیاری از واحدهای سیاسی خاورمیانه نیز تداوم دارد به نحوی که شاهد وجود حفره‌های دولت در بیشتر کشورهای آن هستیم. در خاورمیانه فرد، منافع فرد و تمایلات فکری فرد مقدم بر منافع و تمایلات فکری احزاب و نظام‌های اجتماعی و حکومتی است. در این کشورها حکومت بر کل جامعه حاکمیت دارد. جامعه ضعیف و حکومت قوی از یک طرف به ضرر توسعه اقتصادی و سیاسی و از طرف دیگر به تزلزل پذیری امنیت ملی منتهی می‌شود (Sariolghalam, 2004: 15). در این بخش جغرافیای سیاسی آشفته دولت‌ها به راهبرد ژئوپلیتیک آنها جهت می‌دهد. از این رو، یکی از مناطق بحران‌خیز دنیا است.

۴-۲- خلیج فارس

منطقه خلیج فارس در قلب خاورمیانه با مساحتی نزدیک به ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع از طریق تنگه هرمز و دریای عمان با اقیانوس هند در ارتباط است و نزدیک به ۶۳ درصد از کل ذخایر نفتی و ۳۰ درصد از ذخایر گاز شناخته شده جهان را در خود جای داده‌است. بیش از ۴۰ درصد از صادرات نفت جهان، از تنگه هرمز می‌گذرد و سالانه حدود ۱۳ هزار شناور از طریق تنگه هرمز به خلیج فارس وارد می‌شود. وجود ذخائر عظیم نفت و گاز و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس، موجب شده است که این منطقه همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد (Pishgah Hadian, 2009). کشورهای ایران، عمان، عراق،

1- Shatter belt

عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در کناره خلیج فارس قرار دارند که میزان دسترسی، وابستگی آنها به خلیج فارس و تنگه هرمز و در اختیار داشتن منابع هیدروکربنی با هم متفاوت است (Hashemi, 2011: 146).



نقشه شماره ۱: جایگاه خلیج فارس در تأمین و انتقال نفت به سراسر جهان (Sajedi, 2009: 77)

۲-۴- اروند رود

اروند رود در جنوب غربی ایران و هم مرز با کشور عراق است که از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون پدید می‌آید. طول بخش مرزی این رودخانه ۸۴ کیلومتر است. دجله و فرات پیش از پیوستن به کارون در شهر قرنه در ۱۱۰ کیلومتری شمال غربی آبادان به هم می‌پیوندند. طول این رود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود در میان شهر ایرانی اروندکنار و شهر عراقی فاو است که در نهایت در ۸ کیلومتری جنوب اروندکنار به خلیج فارس می‌ریزد (Parsapoor, 2010). عرض این رود بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمقی تا حدود ۱۸ متر متغییر است. بنادر ایرانی خرمشهر و آبادان و همچنین بزرگترین بندر عراق یعنی بصره در کناره‌های این رودخانه واقع شده‌اند. از آنجا که این رود میان دو کشور مشترک است طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور از حقوق یکسان برخوردار هستند و نحوه تعیین خط مرز بر رودخانه‌های مرزی یا به روش خط فرض مقسم المیاه (خط مرزی نسبت به دو ساحل در وسط

قرار می‌گیرد) و اگر قابل کشتیرانی باشد مرز مشترک به روش تالوگ است که به معنای خط‌القعر قابل کشتیرانی در حالت جزر کامل می‌باشد و این شیوه‌ای است که با توجه به مشخصات رودخانه اروند بایستی حاکم باشد اما تا پیش از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر عراق ادعای مالکیت کامل بر تمامی رودخانه را داشت و مرز را ساحل ایران و نه در امتداد خط تالوگ می‌دانست که این در واقع ادعایی فاقد مبنای حقوق بین‌الملل است. زیرا بر اساس این فرض اروند رود جزء آبهای داخلی عراق به‌شمار می‌آید که در این حالت حق استفاده ایران برای کشتیرانی، ماهیگیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام شود. نزدیک به ۱۳ رودخانه در طول مرزهای مشترک ۱۶۰۰ کیلومتری ایران و عراق حالت رودخانه مشترک مرزی دارند که در همه آنها خط منصف به‌عنوان مرز مشترک پذیرفته شده است. ولی عراق این استثناء غیرقانونی را برای اروند رود قائل بود (پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس: www.rasekhoon.net) البته ریشه این ادعای عراق به قرار ۱۳ تیرماه ۱۳۱۶ باز می‌گردد که طبق آن حق کشتیرانی در سراسر اروند به استثنای ۵ کیلومتری از آبهای آبادان تا خط تالوگ (با فشار انگلستان) به دولت عراق واگذار شد و مالکیت عراق بر تمام اروندرود به استثنای آن ۵ کیلومتر گسترش یافت (Ardestani, 2008: 71).

با کودتای عبدالکریم قاسم در آذر ۱۳۳۸ اروندرود به بحرانی حاد در روابط ایران و عراق تبدیل شد. روابط دو کشور در شرایطی وارد بحران جدیدی شد که حسن البکر (رئیس رژیم کودتای عراق) ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و مقامات بعثی تصمیم گرفتند اسناد و مدارک کشتی‌هایی را که وارد اروندرود می‌شوند را بازرسی کنند. به‌دنبال این تصمیم در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ وزارت امور خارجه عراق آبراه اروندرود (شط‌العرب) را جزء جدایی‌ناپذیر خاک عراق دانست و از ایران خواست پرچم خود را از روی کشتی‌هایش پایین آورد. به‌دنبال این اقدام دولت ایران در اردیبهشت ۱۳۴۸ عهدنامه مرزی ۱۹۳۷ را ملغی و تمایل خود را به انعقاد قراردادی مبتنی بر خط تالوگ اعلام کرد. این رویداد روابط دو کشور را تا حد برخورد نظامی پیش برد که با میانجیگری هواری بومدین (رئیس جمهور وقت الجزایر) در جریان اجلاس سران اوپک، در این باره توافقاتی صورت گرفت. به موجب عهدنامه الجزایر و

با پذیرش خط تالوگ به‌عنوان خط مرزی دو کشور، عملاً حاکمیت ایران بر اروندرود پذیرفته شد. با این حال، پس از این قرارداد بویژه با فروپاشی نظام شاهنشاهی ایران، رهبران عراق بارها در سخنان خود خواستار برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود بودند و اعلام کردند که می‌خواهند به موضع پیش از ۱۹۷۵ برگردند (Jafari Valdani, 1989: 63).

۵- یافته‌های تحقیق

۱-۵- جغرافیای سیاسی عراق

در سال ۱۹۳۲م. قیمومیت انگلستان بر عراق پایان یافت و این کشور رسماً به استقلال رسید. در سال ۱۹۴۱م. رشید عالی گیلانی با کودتا، زمام قدرت را در عراق به‌دست گرفت اما نتوانست در برابر هجوم سربازان انگلیسی مقاومت کند. تا سال ۱۹۵۸ حکومت خاندان هاشمی بر آن حاکم بود. سرانجام در همان سال رژیم پادشاهی عراق به‌دنبال کودتای عبدالکریم قاسم سرنگون و رژیم جمهوری اعلام شد. چند سال بعد، حزب بعث این کشور علیه قاسم کودتا کرد و زمام امور را در این کشور به‌دست گرفت. از آنجا که علت وجودی این کشور در پیوند با خواست همگانی نبوده و عمدتاً ریشه در فروپاشی امپراتوری عثمانی و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای (انگلستان و فرانسه) داشته‌است از هنگام پیدایش، نیروی نظامی، رویکرد سخت‌افزاری و اندیشه نظامی‌محور در سازماندهی سیاسی فضا و راهبردهای ژئوپلیتیکی آن نقش کانونی داشته‌است. به‌طوری که با به قدرت رسیدن حزب بعث تاکنون، عراق چند سال متوالی از آرامش داخلی و صلح با همسایگان را تجربه نکرده است. ناهمگونی جمعیت از منظر زبانی، فرهنگی، دینی و مذهبی، عدم مشارکت سیاسی، نبود سابقه‌ای از تساهل و مدارا، خودکامگی نظام‌های سیاسی، سرکوبی مخالفان، شورش‌های داخلی و... از جمله حفره‌های دولت در این کشور بوده‌اند که به جغرافیای سیاسی و در نهایت راهبرد ژئوپلیتیک عراق جهت و معنا داده‌اند. از سوی دیگر، عراق وارث یکی از چالش برانگیزترین کرانه‌ها از نظر وسعت و ناکارآمدی در شمال غربی خلیج فارس است.

۲-۵- کرانه‌های دریایی عراق

طول کرانه دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است (اسدی، ۱۳۸۱: ۲۳۳) که در فاصله خور عبدالله (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره آبادان قرار می‌گیرد. با احتساب طول آبراه خور عبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد. بصره، ام‌القصر و فاو سه بندر معروف آن در خلیج فارس و دهانه اروندر رود هستند که به‌علت عمق کم و باتلاقی بودن برای نفتکش‌ها قابل استفاده نیست. همین مسئله یکی از چالش‌های ژئوپلیتیک عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی بوده به شکلی که رفتار سیاسی - نظامی این پرجمعیت‌ترین کشور عربی خلیج فارس را متأثر کرده و بازدارنده جدی بازیگری در این منطقه ژئوپلیتیک بوده و چاره‌جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی را به‌صورت هدفی آرمانی برای آن کشور درآورده است (Hafeznia, 2005: 257). از این‌رو، گسترش خط ساحلی و دسترسی مناسب به آب‌های ساحلی خلیج فارس از اهداف راهبردی عراق بوده‌است که این مهم از طریق پیوستن خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا دست‌کم حاکمیت بر دو جزیره کویتی وره و بوبیان امکان‌پذیر است.

دسترسی آسان و گسترده به آب‌های آزاد خلیج فارس، در مقام فضای حیاتی و آرمان نظام‌های سیاسی بویژه ایدئولوژیک این کشور عمل کرده و به رفتار سیاسی عراق جهت و معنا داده‌است. این وضعیت سبب شده است تحدید مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به همکاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد هرگز عملی نشود. زیرا عراق به‌دلیل وضعیت نامساعد کرانه‌ای انگیزه‌ای برای حل مسئله ندارد و منافع خود را در عدم حل و فصل آن ارزیابی می‌کند. وضعیتی که دستاویزی برای تنش و مشاجرات سال‌های آینده است (Karimipoor, 2000: 48). با این حال، در دهه ۱۹۷۰ که ایران با حمایت غرب ژاندارم منطقه بود، عراق مجبور شد بر اساس معاهده ۱۹۷۵ الجزایر، حاکمیت ایران بر بخش باختری اروندرود را بپذیرد.

۳-۵- عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر

در جریان کنفرانس سران عضو اوپک که در ۱۳ تا ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ در الجزایر تشکیل شد با میانجی‌گری هواری بومدین رئیس‌جمهور وقت الجزایر، ملاقاتی میان شاه ایران و صدام حسین معاون حسن‌البکر رئیس‌جمهور عراق به‌عمل آمد که نتیجه آن اعلامیه الجزیره بود. مفاد اعلامیه و معاهده الجزایر به این شرح است که: ۱- طرفین مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ تعیین می‌کنند؛ ۲- دو کشور مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند؛ ۳- طرفین متعهد می‌شوند که در مرزهای خود کنترل دقیق و مؤثری به‌منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه داشته باشد، اعمال کنند؛ ۴- مقررات فوق عوامل تجزیه‌ناپذیری برای یک راه‌حل کلی است که در نتیجه نقض هر یک از مفاد فوق با روحیه توافق الجزیره مغایر است (Mansoori Larizani, 2003: 19).

بروز جنگ میان اعراب و اسرائیل و فشار کردهای شمال بر حکومت عراق از یک طرف و حمایت غرب از محمدرضا شاه که به نیرومندتر شدن قدرت نظامی ایران انجامیده بود صدام را ناگزیر به امضا قرارداد ۱۹۷۵ با شاه کرد. برای اجرای اعلامیه الجزیره، وزرای امور خارجه ایران، عراق و الجزایر از تاریخ ۱۵ مارس تا ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵، به ترتیب در تهران، بغداد، الجزیره و بغداد گردهم آمدند. بر اساس این قرارداد دو کشور توافق کردند که مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند و در مرزها نیز کنترل دقیق و مؤثری به‌منظور رفع هر گونه نفوذ که جنبه خرابکارانه داشته باشد، اعمال کنند. این عهدنامه سه پروتکل ضمیمه و یک الحاقیه دارد. عهدنامه یادشده در قالب سه پروتکل و چهار موافقت‌نامه تکمیلی به تصویب قوه مقننه هر دو کشور رسیده است (Rezaee, 2005: 123).

۴-۵- تهاجم عراق به ایران

در شهریور ماه ۱۳۵۹ دولت عراق و با دستور صدام حسین رئیس‌جمهور این کشور، حمله همه‌جانبه هوایی، دریایی، زمینی را در طول بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد، جنگی که به مدت ۸ سال طول کشید و در نوع خود از طولانی‌ترین

جنگ‌های قرن بیستم محسوب می‌گردد (Darvishi and Ramazani, 2010: 76). عوامل مختلفی در بروز جنگ ایران و عراق مؤثر بوده‌اند. تعارضات فرهنگی، تلاش عراق برای برقراری حاکمیت مطلق بر اروندرود، اقدام ارتش عراق به تصرف بخشی از سرزمین ایران در جبهه مرکزی، تصمیم رژیم عراق به تجزیه خوزستان، طرح خروج بی قید و شرط ایران از جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، تفاوت ایدئولوژیکی نظام حکومتی دو کشور، تهدید نظام حکومتی این کشور توسط شیعیان عراق، سرنگون‌سازی نظام نوپای ج.ا. ایران، تلاش رژیم عراق برای عهده‌دار شدن ژاندارمی خلیج فارس و رهبری جهان عرب (Darvishi, 2007: 33)، نداشتن عمق استراتژیک، تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق، تغییر توازن قوا و پیدایش خلأ قدرت در منطقه، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تغییر مناسبات منطقه‌ای با نگرانی از صدور انقلاب، تنش در مناسبات ایران و آمریکا، موضع‌گیری‌های ضدآمریکایی زمامداران جدید از جمله تصرف سفارت آمریکا در تهران، فروپاشی قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی رژیم پیشین در ایران و عدم انسجام درونی برای تصمیم‌گیری و مقابله با بحران‌ها و تهدیدات خارجی، احساس حقارت صدام در قالب عهدنامه الجزایر که حاکمیت ایران را بر ساحل باختری اروندرود و تعیین خط تالوگ به‌عنوان خط تقسیم مرزی دو کشور و... با این حال، بروز پدیده جنگ را باید در علت‌ها و رخدادهای دور دست و پایدار پی‌گرفت. از این‌رو، موضع‌گیری‌ها و بحران‌های نزدیک به زمان جنگ زمینه و بهانه هستند. از آنجا که عوامل جغرافیایی از ثبات و ماندگاری برخوردار هستند و رخدادها و دگرگونی‌هایی سیاسی، ماهیتی گذرا دارند نویسنده علت اساسی لغو معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و تهاجم عراق را تنگنای ژئوپلیتیکی این کشور ارزیابی می‌کند. محدودیتی که همیشه مراودات آزاد دریایی عراق را منوط به مناسبات دوستانه آن کشور با ایران می‌کند. در واقع عدم دسترسی عراق به دریا و اهمیت اروندرود برای تسهیل دسترسی این کشور به آبهای خلیج فارس وضعیتی در روابط دو کشور ایجاد کرده‌است که جدای از نوع حکومتی که بر عراق حاکم است به احتمال قوی درباره اروندرود و میزان تسلط هر یک از دو کشور بر این آبراه اختلافاتی بروز خواهد کرد.

هر چند بر اساس عهدنامه الجزایر رهبران دو کشور به‌طور کلی و اصولی توافق کردند که

اختلافات دو کشور را در مورد مرزهای زمینی، آبی (شط‌العرب) و امنیتی بدون تفکیک از هم به صورت یکجا حل کنند. بنا بر ماده پنجم این عهدنامه: «مرزهای زمینی و رودخانه‌ای که درباره آنها توافق شده است؛ غیرقابل تغییر، دائمی و قطعی است. پس از امضاء عهدنامه، عملیات اجرایی آن آغاز شد و پروتکل تعیین مرز رودخانه‌ای و امنیت مرزها به اجرا درآمد بویژه بعد امنیتی آن - که برای عراقی‌ها به واسطه ناآرامی‌های کردستان آن از اهمیت بالاتری برخوردار بود - ایران اجرای پروتکل علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی را به اداره مهندسی ارتش عراق واگذار کرد. با نصب هر میله صورت جلسه آن به امضاء نماینده ایران، عراق و الجزایر می‌رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی روند اجرایی پروتکل یاد شده متوقف شد (Sajadpoor & Amirimoghadam, 2009: 20) اما بروز نابسامانی و ضعف نظامی ارتش ایران برخاسته از تحولات انقلاب به همراه انزوای سیاسی ایران، «فرصت مناسبی» برای عراق ایجاد کرد تا به آرزوی دیرینه خود دست یازد و با اشغال خوزستان و ارون‌دروود و با کسب وجهه سیاسی در منطقه و جهان از طریق رویارویی با انقلاب ایران به قدرت برتر در منطقه تبدیل شود و رهبری جهان عرب را به دست گیرد. چاپ نقشه‌هایی از عراق که خوزستان ایران نیز به آن پیوسته شده است (Rashid, 2009: 26). گواهی آشکار از اهداف عراق در حمله به ایران در شهریور ۱۳۵۹ است. به طور کلی ماهیت ادعاهای عراق در آن زمان دو جنبه اصلی داشت: توانمندی‌های عراق در کنار ضعف‌های سیاسی و ژئوپلیتیک آن و تلاقی اهداف این کشور با ایالات متحده در برخورد با انقلاب اسلامی مجموعاً اوضاعی را به وجود آورد که بروز جنگ را حتمی می‌ساخت. عراق با استفاده از این موقعیت در تلاش برای جبران ضعف‌های گذشته و عملی ساختن اهداف خود برآمد (Saninejad, 1994: 217).

۵-۵- مزیت‌های تصرف خوزستان

محدودیت عراق در دسترسی به آبهای آزاد، گستره مانور این کشور را از منظر نظامی، اقتصادی در خلیج فارس محدود می‌کرد. تا جایی که از آغاز استقلال دسترسی آسان و گسترده به آبهای خلیج فارس پیوسته در زمره رؤیاهای رهبران آن کشور به‌شمار می‌رفت. زمامداران

بغداد برای گریز از این چالش ژئوپلیتیک همواره چند گزینه پیش روی خود دیده‌اند: ۱- حاکمیت بر خوزستان؛ ۲- حاکمیت انحصاری بر آبهای اروندرود؛ ۳- در اختیار داشتن کویت یا حداقل دو جزیره وره و بوبیان (Velayati, 1997: 57). وجود اقلیت عرب خوزستان از همان آغاز پیدایش کشور عراق، این استان را کانون توجه و مداخلات زمامداران بغداد قرار داد. به طوری که روابط گسترده عراق با گروهک‌ها و شیوخ قبایل عرب استان در استراتژی ژئوپلیتیکی این کشور جایگاه ویژه‌ای یافت. عراق تلاش می‌کرد با القاء آموزه‌های پان عربیسم و جذب نواحی عرب‌نشین موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند. به باور آنان این همراهی سبب می‌شد تا اشغال خوزستان رنگ آزادسازی به خود گیرد. از دیگر سو خوزستان به دلیل وجود کانون‌های اقتصادی و نفتی، داشتن بندرهای آبادان، خرمشهر (با دسترسی از رود بهمنشیر)، ماهشهر، امام خمینی (ره) و وجود رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و اروند که عموماً از پرآب‌ترین رودهای ایران هستند به جلگه‌ای خوزستان قابلیت کشاورزی فراوانی بخشیده‌اند، منزلت ژئوپلیتیک خاصی داشت. تصرف استان می‌توانست افزون بر حل تنگنای ژئوپلیتیک عراق در دسترسی به خلیج فارس، مخازن و منابع سرشار نفت منطقه را در اختیار عراق قرار دهد (Hosseini, 2008: 34).

۶-۵- حمله به کویت

پیشینه ادعاهای سرزمینی عراق نسبت به کویت به ده‌ها سال پیشتر بر می‌گردد. کوشش بغداد برای تصرف یا پیوستن کویت به عراق زمانی تشدید گردید که نفت در کویت کشف شد و به مرحله صدور رسید. از آن هنگام گرایش روزافزونی برای سیطره بر ثروت نفتی و مالی کویت پدید آمد. عراق بارها کویت را متهم کرد که این کشور بر سهمیه نفت عراق از حوضچه نفتی رومیله واقع در مرز دو کشور چنگ انداخته‌است و حاضر نیست با اجاره یا فروش جزایر وره و بوبیان به عراق، راه دریا را برای بغداد بگشاید و منافع اقتصادی و راهبردی آن را از این نظر تأمین کند (The Center for Kuwait research and Studies, 2002: 221). از دیگر سو، اصرار کویت بر دریافت وام‌هایی بی‌بهره‌ای که در خلال جنگ هشت ساله به بغداد پرداخت شده

بود (Baker and Hamilton, 2005: www.defense.gov) در تشدید تعارض میان دو دولت به‌عنوان متغیر تسهیل‌گر نمایان شد. در چنین فضای روانی - تبلیغی بود که صدام مخالفت خود با خطوط مرزی عراق-کویت که توسط بریتانیا تعیین حدود شده بودند را اعلام کرد. و بر این باور بود که این وضعیت باعث عدم دسترسی عراق به دریا شده است (Cleveland, 1999: 464). سرانجام در اوت ۱۹۹۰ شورای امنیت سازمان ملل با حمله عراق به کویت مواجه شد. از زمان تاسیس سازمان ملل (۱۹۴۵) این نخستین باری بود که سرزمین یکی از دولت‌های عضو به زور ضمیمه کشور دیگر می‌شد (BAKHASHAB, 1998: http://www.kau.edu).

۷-۵- پسا بعثیسم و فضای حیاتی

علی‌رغم وجود پیوستگی‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی میان ایران و عراق مقوله دسترسی آزاد عراق به آب‌های آزاد از طریق اروندرود به خلیج فارس همواره بر مناسبات این دو واحد سیاسی سایه افکنده است. این ویژگی الزاماً ارتباطی با نوع حاکمیت سیاسی عراق ندارد از این‌رو چالش ژئوپلیتیکی پایداری خواهد بود به‌طوری‌که با سرنگونی رژیم بعث حاکمان جدید عراق به نوعی همان ادبیات سیاسی دوران بعث را در خصوص لغو یا تغییر مفاد پیمان الجزایر مطرح می‌کنند که در ادامه به‌شمارای از آنها اشاره می‌شود.

جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق در مصاحبه با روزنامه الحیات گفته است: قرارداد الجزایر پیش از این میان صدام و شاه ایران امضا شده و بین دو کشور ایران و عراق نبوده است. وی ضمن تأکید بر اینکه خواهان روابط خوب با تهران است، گفت: ... ما توافقنامه الجزایر را لغو شده می‌دانیم و آن را قبول نداریم. طالبانی تصریح کرد که مخالف برخی بیانه‌های مشترک با ایران است که در متن آن، توافقنامه الجزایر درج شده است و حتی تاکنون نیز برخی از بیانه‌های مشترک را تنها به این دلیل که در آنها به این توافقنامه اشاره شده امضا نکرده است (www.daralhayat.com, 2007). به‌دنبال اعتراض تهران، وی ناچار به اصلاح سخنان خود شد و اعلام کرد که می‌داند این قرارداد به‌طور یک‌طرفه قابل لغو نیست اما هیأتی را روانه تهران خواهد کرد تا در این‌باره به مذاکره با ایران بنشینند.

متأثر از چالش ژئوپلیتیکی عراق و جو روانی ناشی از تمایل بسیاری از جریان‌های سیاسی عراق طالبانی در تازه‌ترین اظهار نظر خود در الحیات با اشاره به روابط خوب دو کشور بار دیگر موضع مخالفت خود با قرارداد الجزایر اعلام کرد او در سخنان خود گفت؛ من فکر می‌کنم که روابط ایران و عراق طبیعی و خوب است. البته در برخی موارد از جمله مسائل مرزی، اجرای قرارداد الجزایر و موضوع آب اختلافاتی وجود دارد (www.daralhayat.com, 2010). واکنش‌ها و ادعاهای صورت گرفته در مورد قرارداد الجزایر تنها محدود به رئیس جمهوری عراق نیست بلکه طیف وسیعی از سیاستمداران عراقی و نمایندگان مجلس عراق را نیز شامل می‌شود. به طوری که وزیر خارجه عراق هوشیار زیباری عنوان می‌کند که بزرگترین پرونده عراق در وزارت خارجه مربوط به ایران است. وی مدعی است که موضوع اجرای بیانیه الجزایر، مسائل و مطالبات ناشی از جنگ هشت ساله، روده‌های مرزی، مناطق مین‌گذاری شده، نقاط مرزی مورد اختلاف و هواپیماهای عراقی موجود در ایران، تنها بخشی از مسائلی است که مجلس عراق باید برای آنها برنامه‌هایی را طراحی کند. وزیر خارجه عراق در سخنان خود تأکید می‌کند که ایران و عراق بر سر تعیین مرزهای زمینی و دریایی خود و از جمله اروند رود اختلاف دارند و تلاش‌های مخفیانه و درازمدت عراق برای متقاعد کردن ایرانی‌ها درباره ضرورت و دست کشیدن ایران از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و بستن قراردادی جدید با ایران به نتیجه نرسیده است. هر چند در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای ترغیب ایرانی‌ها برای پذیرش برخی موارد مربوط به مرزها، خارج از چهارچوب بیانیه الجزایر به عمل آورده‌ایم (www.al-sharq.com, 2009).

محمد الحجاج حمود معاون (وقت) وزیر خارجه این کشور نیز یادآور شده است که قرارداد ۱۹۷۵ گرچه اهمیت دارد اما از نظر عراق ملغی است و موضوع گفتگوی طرفین نخواهد بود. البته می‌توان به توافقی در این باره دست یافت. ما توافق کرده‌ایم که درباره حل مشکل شط‌العرب (اروند رود) به دلیل انحراف از مجرای قدیمی آن و غرق کشتی‌ها و عوامل طبیعی دیگر، مذاکره کنیم (www.alforattv.net, 2008). پس از مناقشه مرزی بر سر چاه‌های نفت در منطقه مرزی فکه سخنگوی (وقت) دولت عراق علی الدباغ عنوان کرد که قانونگذاران عراقی

برای تجدید نظر و تجزیه و تحلیل قرارداد الجزایر تلاش خواهند کرد تا چشم‌انداز روشنی به‌سوی صلح که پس از جنگ ایران و عراق حاصل نشده است به‌دست آید (<http://articles.cnn.com>). به‌دنبال بروز تنش یاد شده در منطقه فکه و آرایش نظامی در مرزهای مشترک، اسامه النجیفی رئیس کمیسیون (وقت) نفت و گاز مجلس عراق نیز تأکید کرد که پرونده مرزهای ایران و عراق و قرارداد الجزایر به سازمان ملل بازگردانده خواهد شد تا موضوع از مسیر این نهاد بین‌المللی حل و فصل شود. النجیفی اضافه کرد که پارلمان عراق و به‌طور ویژه کمیسیون نفت و گاز تا فرستادن این پرونده به سازمان ملل متحد، به تلاش‌های خود ادامه می‌دهد و مجلس خواهان حل و فصل سیاسی این موضوع است (www.aawsat.com, 2010). عبد الستار سلطان، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه بغداد معتقد است که عهدنامه الجزایر همان شامگاه جنگ ایران و عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ لغو شد. بنابراین از نظر قانونی موضوع قرارداد یاد شده برای عراق کن لم یکن است (www.aljazeera.net, 2010).

محمود عثمان از نمایندگان کرد مجلس عراق عنوان می‌کند که رژیم سابق عراق قرارداد ۱۹۷۵ را به‌منظور حذف تهدید جنبش‌های کردی به اجرا در آورده بود. یکی از بندهای قرارداد ۱۹۷۵ تعقیب کردها در منطقه تحت حاکمیت عراق و ایران است که باید هرچه سریعتر این بند از بیانیه الجزایر حذف شود همچنین او بر این باور است که چون ایران بر اروند رود ۲/۳ و عراق ۱/۲ حاکمیت دارند باید قرارداد جدیدی بسته شود (<http://en.aswataliraq.info>, 2008).

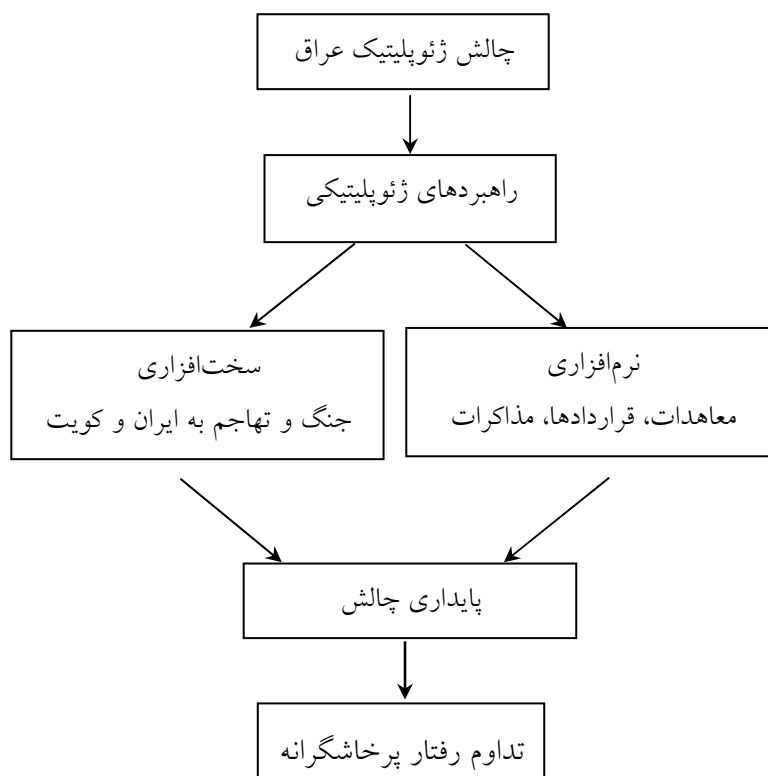
وی مدعی شد که عهدنامه الجزایر اعتبار خود را از دست داده است چون صدام حسین آن را در طول جنگ ایران و عراق پاره کرد (www.cnn.com, 2009). حسین الفلوجی از نمایندگان سنی مجلس عراق بر این اعتقاد است حفظ عهدنامه الجزایر همان‌طور که بسته شده بود به سود دو کشور ایران و عراق نیست باید مذاکرات دوجانبه جدیدی به‌عمل آید که تضمین‌کننده صلح باشد. او معتقد است که جنگ ایران و عراق عهدنامه را منسوخ کرده‌است و تأکید می‌کند که تمام کشورها پس از هر جنگی توافقنامه و عهدنامه جدیدی امضا می‌کنند. بر این اساس او سه گزینه فرا روی ایران قرار می‌دهد: ۱- لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر؛ ۲- اصلاح قرارداد الجزایر در مسیری که حقوق دو طرف را شامل شود؛ ۳- جایگزینی قرارداد ۱۹۷۵ با

قرارداد جدید دیگر (<http://en.aswataliraq.info>, 2008). بر این اساس سیاستمداران عراقی عموماً معتقدند که قرارداد الجزایر باید مورد تجدید نظر (لغو یا اصلاح) قرار گیرد این در حالی است که در حقوق بین‌المللی، اصل تداوم معاهده و خصوصیت لایتغیر بودن آنها از اصول قطعی، دائمی و لایتغیر محسوب می‌شود و قطعی، دائمی و غیرقابل تغییر بودن را از اصول ذاتی عناصر متشکله عهدنامه‌های مرزی شناخته و بر این اساس استناد به اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال را در معاهدات مرزی جایز نشناخته و هرگونه ملغی نمودن و یا تعلیق مفاد یا انقضای اصول این‌گونه عهدنامه‌ها را مردود دانسته است (Ziaiebigdeli, 2001: 102).

۶- نتیجه‌گیری

تنگنای ژئوپلیتیک عراق در عدم دسترسی به آبهای آزاد نقش محوری در سیاست خارجی این کشور در دوران حیات این دولت داشته است. به عبارتی حکومت عراق فضای حیاتی این کشور را در دسترسی آسان به آبهای آزاد از طریق اروندرود، خوزستان و کویت تشخیص داده است. هرکدام از این موارد سال‌ها مورد مناقشه سیاست خارجی عراق بوده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی عراق و تغییرناپذیر بودن مؤلفه‌ها و عوامل ژئوپلیتیکی آن، رفتار سیاست خارجی این دولت همواره بر پایه چالش‌ها و تنگنای‌های ژئوپلیتیک این کشور ترسیم می‌شود. بر این اساس تفاوتی میان رویکرد خارجی دولت‌های پسا بعث و پیشا بعث وجود ندارد. بر بنیاد چنین برداشتی به نظر می‌رسد رفتار سیاست خارجی عراق از الگوی شکل شماره ۱ تبعیت می‌کند.

شکل شماره ۱: الگوی چالش ژئوپلیتیک و رفتار سیاست خارجی عراق



به نظر می‌رسد چنانچه ایران از طریق یک قرارداد حقوقی بخش‌هایی از کرانه‌های شمال غربی خلیج فارس را در اختیار این کشور قرار دهد، افزون بر حل تنگنای ژئوپلیتیک این کشور و افزایش درآمد ملی از طریق دریافت حق ترانزیت، افزایش منزلت ژئوپلیتیک ایران در منطقه و جهان را به دنبال خواهد داشت.

۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) به جهت فراهم ساختن فرصت انجام پژوهش حاضر تشکر نمایند.

References

1. Alam, Abdurrahman (2005); Foundations of Politics, 12th Edition, Ney Publications, Tehran [in Persian].
2. Ardestani, Hossein (2008); Iraq- Iran War, encounter of Strategies, High Course of War Publications, Tehran [in Persian].
3. Baker and Hamilton (2005); Report to Congress Measuring Stability and Security in Iraq. At: <http://www.defense.gov/news/jul2005/d20050721secstab.pdf>.
4. Bakhashab, Omar A (1998); The Implication of Iraqi Invasion of Kuwait, A Legal Study within the Framework of the UN Charter J. KAU: Econ. & Adm, Vol. 12, No. 2, pp. 21-45 (1419 A.H./1998). at: <http://www.kau.edu.sa/centers/spc/jkau/Doc/Eco/12-2/Ejtiah.pdf>.
5. Clarke, David and Marcus, Doel (1996): Holocaust topologies: singularity, politics.
6. Cleveland, William L. A (1999); History of the Modern Middle East, 2nd Ed, p 464.
7. Cohen, Saul (2009); Geopolitics of the World System, Translated from English to Persian by: Abbas Kardan, Abrar Moaser, Tehran [in Persian].
8. Darvishi and Ramazani (2010); Saddle Point in Game Theory; Case Study: Iran-Iraq War, Geopolitics Quarterly, Vol. 6, No. 3, Tehran [in Persian].
9. Darvishi, Farhad (2007); Iran-Iraq war questions and answers, High Course of War Publications, Tehran [in Persian].
10. Ghavam, Abdolali (2004); Principles of foreign policy and international politics, SAMT Publications, Tehran [in Persian].
11. Hafeznia, Mohammadreza (2005); Persian Gulf and Strategic role of the Strait of Hormuz, 4th Edition, SAMT Publication, Tehran [in Persian].
12. Hafeznia, Mohammadreza (2006); Principles and concepts of geopolitics, Papoli Publication, Mashhad [in Persian].
13. Hashemi, Fatimah (2011); Sustainable Development in the Persian Gulf: Obstacles and Arrangements, Geopolitics Quarterly, Vol. 7, No. 1, Tehran [in Persian].
14. Hosseini, Hossein (2008); the causes of the Iran-Iraq War, High Course of War Publications, Tehran [in Persian].
15. http://articles.cnn.com/2009-07-21/politics/iraq.sanctions_1_iraq-fm-foreign-minister-zebari-sanctions?s=PM:POLITICS: Iraq FM: U.N. sanctions need to end.
16. http://articles.cnn.com/2009-12-23/world/iraq.iran.border_1_algiers-treaty-hassan-kazemi-qomi-iranian-territory?s=PM:WORLD.
17. http://articles.cnn.com/2009-12-3/world/iraq.iran.border_1_algiers-treaty-hassan-kazemi-qomi-iranian-territory?s=PM:WORLD.

18. <http://en.aswataliraq.info/?p=70201>.
19. <http://international.daralhayat.com/archivearticle/152330.2007>.
20. <http://international.daralhayat.com/internationalarticle/146350.2010>.
21. http://wiki.answers.com/Q/What_is_Foreign_policy_definition.
22. <http://wordnetweb.princeton.edu/perl/webwn?s=lebensraum.2010/5/10>.
23. <http://www.aawsat.com/details.asp?section=4&issueno=11358&article=551022&search>.
24. <http://www.al-sharq.com/articles/more.php?id=174512&date=2009-12-27>.
25. <http://www.aljazeera.net/NR/exeres/1A19EB54-42AC-4DC5-BE04-ACB0FB9F30ED.htm>.
26. <http://www.orato.com/world-affairs/drought-iraq-threatens-2-million>.
27. <http://www.rasekhoon.net/Article/Show-22263.aspx>, Tehran [in Persian].
28. <http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=69720>.
29. <http://www.yourdictionary.com/lebensraum>.
30. <http://www.alforattv.net/index.php?show=news&action=article&id=28571>.
31. Jones, Greta (1980); *Social Darwinism and English Thought: organic theory of the state*. (Brighton, at: http://www.politicsprofessor.com/political_theories/organic-theory-of-the-state.php).
32. Karimipour, Yadallah (2000); *Introduction to Iran and its neighbors (the sources of tension and threat)*, Jahade Daneshgahi Tarbiat Moallem Publications, Tehran [in Persian].
33. Mansoori Larijani, Esmael (2003); *the History of Holy Defense (Iran-Iraq War)*, Khademalreza Publications, Qom [in Persian].
34. Mansoori, Javad (1986); *a look to the foreign policy of Iran*, Amirkabir Publications, Tehran [in Persian].
35. Parapoor, Rozbeh (2010); *Arvand River taking from thousands of years of Iran ancient civilization*, Available at: www.persiangulfstudies.com/Fa/index.asp?p=NEWS2, Tehran [in Persian].
36. Pishgah Hadian, Hamid (2009); *Relations of Iran, Saudi Arabia and Iraq after September 11*, 1st Edition, Center for Strategic Research, Tehran [in Persian].
37. Rashid, Gholamail (2009); *the impact of geopolitical factors in Iran's defense strategies against Iraq*, High Course of War Publications, Tehran [in Persian].
38. Rezaee, Alireza (2005); *context s of 1975 Algeria agreement and its impact on the Iraqi Kurds position*, MA Thesis in Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran [in Persian].
39. Sajadpoor Seyed Kazem and Amirimoghadam, Reza (2009); *Geopolitical and the Legal Resolution of Iran-Iraq Border Disputes: Comprehensiveness and Integrity of 1975 Algeria Treaty*, Geopolitics Quarterly, Vol. 5, No. 2, Tehran [in Persian].
40. Sajedi, Amir (2009); *GEOPOLITICS OF THE PERSIAN GULF SECURITY: IRAN AND THE UNITED STATES*, IPRI Journal IX, no.2 (summer): 77-89.

41. Saninejad, Gholamreza (1994); Roots of Iraq's invasion to Iran, High Course of War Publications, Tehran [in Persian].
42. Sariolghalam, Mahmood (2004); Introduction to the book, the new face of security in the Middle East, Research Institute for strategic studies, Tehran [in Persian].
43. The Center for Kuwait research and Studies (2002); Kuwait, from emergence to crisis, translated by: Iran and the Islamic Cultural- research Institute, Ghasedesara Publications, [in Persian].
44. Jafari Valdani, Asghar (1989); the objectives of the invasion of Iraq to Iran, 1st Edition, Volume 2, Secretariat of the International Conference on aggression and defense, Tehran [in Persian].
45. Vallecera, Virgil B: A Paper on Friedrich Ratzel's Organic State Theory, at: <http://polscicity.blogspot.com/2008/08/paper-on-friedrich-ratzels-organic.html>.
46. Velayati, Aliakbar (1997); Political history of Iraq War against Iran, 1st Edition, Islamic culture Dissemination Office Publications, Tehran [in Persian].
47. Vincent, Andrew (2006); Theories of the State, Translated from English to Persian by: Hossein Bashirieh, 5th Edition, Ney Publications, Tehran [in Persian].
48. Ziaeibigdeli, Mohammadreza (2001); Public International Law, 15th Edition, Ganje Danesh, Tehran [in Persian].